

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۹	فصل اول: هاتیها
۱۱	آداب و رسوم
۱۳	کاوش در هنر هاتی
۱۸	زمین روی شاخهای یک گاو نز قرار دارد
۲۶	دولت شهرهای هاتی و هی تیت
۲۶	مهاجرت اقوام هندواروپایی به آسیای صغیر
۳۲	بازرگانان آشوری
۳۴	طبقات استقراری در کاروم کول تپه
۳۶	هنر در دوره دولت شهرهای هاتی-هی تیت
۴۰	فصل دوم: دوران تاریخی در آسیای صغیر
۴۲	الواح گلی مکشوفه از کول تپه و استعمار گران آشوری
۴۶	پادشاهی کانیش
۴۷	تاریخ هی تیتها
۵۹	فهرست پادشاهان هی تیت
۵۹	پادشاهی قدیم
۵۹	پادشاهی بزرگ (جدید)
۶۱	فصل سوم: معماری هی تیتها
۶۸	هاتوشاش
۷۱	دیوارها و استحکامات شهر
۷۴	بناهای مذهبی

صفحه	عنوان
۷۶	یازیلی کایا
۸۰	آل‌جاهویوک
۸۳	ماشات هویوک
۸۵	کاخ، انبارها و سایر بناهای تاریخی
۸۹	ساختمانهای ضلع شرقی کاخ
۹۳	بخش غربی کاخ و ساختمانی با محراب
۹۸	فصل چهارم: هنر مجسمه‌سازی و نقوش برجسته
۱۰۸	ریتون نقره‌ای به شکل گوزن
۱۰۸	تبر آیینی از مفرغ
۱۰۹	یادمانهای سنگی
۱۱۲	گردنبندها (پیکر کها)
۱۱۴	هنر سفالگری
۱۱۵	تبیت شکل مشخص سفال و ویژگی آن
۱۱۸	سفال هی‌تیت در دوره پادشاهی کهن
۱۱۹	سفال هی‌تیت در دوره امپراتوری بزرگ
۱۲۰	شیوه‌های تدفین
۱۲۶	هنر مهرسازی
۱۴۰	دین
۱۴۷	عناصر نفوذی فرهنگهای بیگانه در تمدن هی‌تیتها
۱۵۱	زیان و خط
۱۵۴	معنای برخی از علائم مهم خط هیروغلیف
۱۵۵	نامهای برخی از پادشاهان و ملکه‌های هی‌تیت به خط هیروغلیف
۱۵۵	فروپاشی امپراتوری هی‌تیت
۱۵۹	تصاویر و نقشه‌ها
۲۷۷	منابع
۲۷۹	منابع برای مطالعه بیشتر

پیشگفتار

فرهنگ و تمدن مورد بحث ما در سرزمینی پا به عرصه وجود نهاد و شکوفا شد که امروزه، آن را ترکیه می‌نامیم. در دورانهای مختلف از این سرزمین به نامهای آناتولی، آنادولو و آسیای صغیر یاد شده است؛ کشوری که در خلال تاریخ، همواره دست‌خوش تغییر و تحولات خوب و بد بوده و این دگرگونیها مرزهای این سرزمین را پیوسته تغییر داده است. آنچه را که امروز ترکیه می‌نامیم، در حقیقت فلات مرتفعی است به وسعت ۷۴۳ هزار کیلومتر مربع که از جنوب به دریای مدیترانه، از مغرب به دریای اژه و مرمره و از شمال به دریای سیاه و فقط از طریق مرزهای شرقی با خشکی ارتباط پیدا می‌کند. ارتفاعات فلات آناتولی از شرق به غرب کاهش می‌یابد، اما در مرکز این فلات دشت همواری وجود دارد که در میان کوههای بلندی به نام توروس (Toros) محصور شده است. کوههای توروس روی هم رفته جنوب فلات را پوشانیده است و ادامه آن به نام کوههای آنتی‌توروس به سوی شمال شرقی کشیده شده و در شمال به موازات دریای سیاه، با پیوستن به کوههای آق‌داغ تا سلسله کوههای آنتی‌توروس، ادامه می‌یابد. پیوندگاه این دو فلات بسیار مرتفع، ارمنستان است. در غرب، کوههای منفرد و کوتاه‌تری تا ساحل مدیترانه امتداد دارد که خلیج‌های بسیاری را تشکیل می‌دهند.

از کوههای شمالی آق‌داغ، دو رود قزل‌ایرماق و یشیل‌ایرماق سرچشمه می‌گیرند و به دریای سیاه می‌ریزند. از سلسله کوههای توروس و آنتی‌توروس رودخانه‌های سیحان و جیحان سرچشمه می‌گیرند و با پیچ و خم زیادی به دریای مدیترانه می‌پیوندند.

در چنین شرایط طبیعی‌ای، فرهنگها و تمدنها زیادی در این سرزمین شکل

گرفته‌اند که در میان آنها فرهنگ هاتی و تمدن هی تیت جای ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ اولی در پیش از سپیده‌دم تاریخ و دومی در دوران تاریخی، باشکوه‌ترین تمدن آسیای صغیر را تشکیل می‌دهند. کهن‌ترین نامی که درخصوص شبه‌جزیره آسیای صغیر امروزه با آن آشنایی داریم، «کشور هاتی» (Hatti) است که در میان اسناد تاریخی سلسله‌اکد (۲۳۵۰-۲۱۵۰ قم) به کار برده شده است و حتی کاربرد این نام، در سالنامه آشوری نیز تا ۶۳۰ قم ادامه می‌یابد (Akurgal, 1998, p. 15). بنابراین، این سرزمین حداقل ۱۵۰۰ سال به نام کشور هاتی اداره می‌شده و هی‌تیتها که از سال ۲۲۰۰ قم مهاجرت به این سرزمین را آغاز کردند پیوسته از کشور هاتی سخن به میان آورده‌اند.

محوطه‌های باستانی از جمله آلاجا هویوک (Alaca Hüyük)، خروس‌تپه، ماحماتلار (Mhmatlar) (محمودلر)، آهلاتلی‌بل (Ahlatlibel)، اتی‌یوکوشو (Kızıl İrmak)، عالیشار (علیشر) که داخل قوسی از رودخانه قزل‌ایرماق (Etiyokuşu) واقع شده و آثار فرهنگی بسیار غنی و منحصر به فرد از آنها به دست آمده است، ویژگیهای هنر هاتی را کاملاً برای ما روشن می‌کند. علاوه بر منطقه مذکور، نفوذ و گسترش فرهنگ هاتی، در فلات مرکزی آسیای صغیر نیز بر اساس بررسیها و کاوشهای باستان‌شناسی کاملاً روشن شده است. در حقیقت فرهنگ هاتی دولت شهرهای هاتیها، یک فرهنگ پیش از تاریخ است؛ زیرا آنها در خلال زندگی خود در فلات مرکزی آسیای صغیر هنوز موفق به استفاده از خط نشده بودند. با وجود این، درباره زبانی که آنها صحبت می‌کردند، دینی که معتقد بودند و عرف و عادت‌شان، از طریق هی‌تیها اطلاعات زیادی به دست آمده است. بنابراین در باستان‌شناسی پیش از تاریخ آسیای صغیر، فرهنگ هاتی با زیبایی و شکوه خود، جای ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. هی‌تیهای هندواروپایی که وارد چین تمدن باشکوهی بودند، در آغاز هزاره دوم قم در فلات مرکزی آسیای صغیر و بخشی از سوریه شمالی ساکن شدند (نقشه ۱) و بر اساس منابع مکتوب هی‌تیها در خلال فرمانروایی خود، موفق به تشکیل دو امپراتوری بزرگ در آسیای صغیر شدند: ۱) پادشاهی هی‌تی قدیم (۱۵۰۰-۱۶۸۰ قم)، ۲) پادشاهی هی‌تیست حدود ۱۴۰۰-۱۲۰۰ قم).

هی تیها بعد از استقرار در آسیای صغیر، سرزمینی را که در آن زندگی می کردند هائی قام نهادند و در کتاب تورات (سفر پیدایش) از هی تیها به نام هیت (Hit) یاد شده است و حتی آشوریها در خلال قرنهای هشتم و هفتم پیش از میلاد از آسیای صغیر که در حاکمیت اقوام فریزیها بود به نام کشورهایی اشاره کردند. در زمان حضور تعلق هی تیت در آسیای صغیر، می توان به وجود سه زبان از شاخه زبانهای هتلوازویانی اشاره کرد که این زبانها عبارت بودند از: نسی، لوی (Luvi) و پالا. نسی زبانی بود که هی تیها با آن صحبت می کردند و الواح مکشفه از پوغلز کوی به این زبان نوشته شده است. زبان لوی در جنوب آسیای صغیر از منطقه لیکا گرفته تا آداتا، یعنی در کشورهای کوچکی به نامهای آرزawa (Arzava) و کیزرواتا (Kizzuwatta) استفاده می شده است و زبان پالا در حوزه پافلاگونیا، یعنی در متحققه ای بین قرقیزیه و ساکاریا (نقشه ۱ و ۲).

هی تیها از خط میخی از آغاز دوره امپراتوری کهن استفاده کردند و هزاران لوح با این خط از کاوشهای بوغاز کوی پایتخت آنها کشف شده است. علاوه بر خط میخی، هی تیها از خط هیروغليف، یعنی خط مقدس کنده یا خط تصویری نیز استفاده کردند. خط تصویری، که اختراعش را به قوم لوی نسبت می دهد (Akurgal, 1998, p. 52)، ابتدا در جنوب و فلات مرکزی کاربرد داشته و در زمان امپراتوری بزرگ هی تیها تا غرب آسیای صغیر گسترش یافته است و بعد از فروپاشی شهر هاتوشا، تقوی و گسترش این خط را می توان در جنوب و جنوب غربی آسیای صغیر و سوریه شمالی نیز مشاهده کرد. این خط از لحاظ شکل ظاهری قابل مقایسه با خط تصویری است که در جزیره کرت استفاده می شده است. قدیمی ترین مهری که با این خط نوشته شده از کاوشهای مرسین (Mersin) به دست آمده و روی آن قام ایسپوتاش (Ispotash) (1525-1500 قم) آمده است (*Ibid*).

در کاوشهای سال ۱۹۵۷ در بوغاز کوی لوحی به دو زبان کشف گردید و با خوانده شدن این لوح روشن شد که هاتوپیلی یکم نخستین فرمانروای دوره پادشاهی کهن بوده که بین سالهای ۱۶۳۰-۱۵۵۵ میلادی است.

که از این پادشاه به جای مانده است لشکر کشیهای او را تا شهر حلب ثابت می‌کند. بعد از هاتوشیلی ده فرمانروای دیگر به ترتیب در دوره پادشاهی کهن به پادشاهی رسیدند که آخرین آنها هوزیای دوم (۱۴۶۰-۱۴۸۰ قم) بود.

رسیدند که آنها هوزیای دوم (۱۴۶۰-۱۴۸۰ قم) آغاز شده بود در سال دوره پادشاهی بزرگ (جدید) که از سال ۱۴۶۰ قم آغاز شده بود در سال ۱۱۹۰ قم با تهاجمات اقوام دریایی به نام فریزیها (فریگها) از بین رفت. این دوره که با فرمانروایی توتهالیای دوم (۱۴۶۰-۱۴۴۰ قم) شروع شد، با بیش از ده فرمانروا، در زمان پادشاهی شوپیلولیشمای دوم (*Suppiluliuma II*) قدرت پانصد ساله خود را با یورش‌های بی‌امان فریزیها از طریق دریا و خشکی از دست داد و یک دوره تاریک چهارصد ساله بر این سرزمین سایه افکند.

هنر هی‌تیها در برخی از رشته‌ها، به موازات هنر مصر و بین‌النهرین (میان‌رودان)، از عظمت و شکوه ویژه‌ای برخوردار بود و امروزه با مشاهده مجموعه بناهای بوغاز‌کوی، مشهد هویوک و آلاجا‌هویوک می‌توان به اوج و عظمت این تمدن پی‌برد، تمدنی که از سیاست آنها نشئت گرفته است؛ زیرا هی‌تیها تلاش بر این داشتند که سیاست جهانی خود را به صورت بناهای غول‌پیکر به نمایش بگذارند. به خاطر چنین دیدگاهی است که باشکوه‌ترین بخش تمدنی آنها را هنر تشکیل می‌دهد. در معماری آسیای صغیر از دیوارهای کیکلوب (Kyklop، دیو) که از تخته‌سنگ‌های نامنظم بسیار بزرگ تشکیل شده‌اند به صورت خشک‌چین برای بناهای غول‌پیکر استفاده شده است. ساخت و ساز این نوع دیوارها به دوره پادشاهی قدیم بر می‌گردد و برج و باروی بوغاز‌کوی که با شیوه کیکلوب ساخته شده، در معماری دنیای باستان بی‌نظیر است. مشابه معماری بویوک قلعه در بوغاز‌کوی، نه تنها در میان بناهای دوران امپراتوری هی‌تیت، بلکه در معماری شرق باستان، تا به امروز دیده نشده است. مجموعه‌ای که با اتفاقهای بایگانی (کتابخانه)، سالنهای ستون‌دار و معابدش در بلندای شهر بوغاز‌کوی ساخته شده مشرف بر منطقه است. در معماری هی‌تیت، عنصر ستون وجود ندارد و به جای آن در سالنهای از جرزهای چهارگوش استفاده شده است. از ویژگیهای معابد هی‌تیتها که بیشتر مسقف هستند، می‌توان به معبد بدون سقف یازیلی کایا (Yazılıkaya) در فضای باز اشاره کرد که احتمالاً

هی تیتها در دوره آغازین پادشاهی بزرگ همانند هلنیها مراسم مذهبی را در فضای باز به جا می‌آوردند. جالب توجه اینکه امروزه، در مجموعه بنایی دوران سلجوکی و امپراتوری عثمانی و توب کاپی سارایی (Topkapı Sarayı) از لحاظ نقشه می‌توان ویژگیهای معماری هی تیت و هلنی را مشاهده کرد.

در کاوشهای آلاجاھویوک با یکی از مهم‌ترین معابد دوره امپراتوری بزرگ هی تیت رو به رو می‌شویم که دارای شکل رایج معماری هی تیتهاست و در دو سوی یکی از دروازه‌های مجموعه شهر آلاجاھویوک به دو اسفنکس (Sphinx) عظیم بر می‌خوریم که محافظت و نگهبانی شهر را بر عهده دارند. در دو سوی بخش پایینی دروازه اسفنکس که قدمت آن به دوره امپراتوری هی تیتها می‌رسد، صحنه‌های شکار، قربانی، حضور شاه و ملکه در مراسmi آیینی، تصاویر کاهنان، نمایشگران، نوازندگان، آکروبات‌بازها و نگاره‌ای از رب‌النوع خورشید آریننا (Arinna) با همراهانش عظمت و شکوه ویژه‌ای به این دروازه بخشیده‌اند (تصویر ۶۷).

کاوشهای باستان‌شناسی در مشهد هویوک یا تاپیگا (Tapigga)‌ی قدیم (نقشه ۱) وجود کاخی باشکوه و معبدی از زمان فرمانروایی توتهایی دوم (قرن ۱۵ قم) را آشکار نمود. در این کاخ یک اتاق بایگانی پر از لوحهایی با خط میخی که متعلق به دوره پس از هاتوش و تنها آرشیو از دوران هی تیت است، کشف شده است. مجموعه بنایی تاپیگا در قرن ۱۲ قم مورد حمله اقوام کاشکا (فریزیها) واقع و کاملاً مترونگ شد. ولی این شهر در زمان فرمانروایی هخامنشیان در آسیای صغیر مورد استفاده قرار گرفت و آثار فرهنگی به دست آمده از دوران هخامنشی این نظریه را تأیید می‌کند (Özgürç, 1982).

افزون بر هنر معماری، هی تیتها در هنر پیکر تراشی، نخستین مجسمه‌های یادمانی را از خود به جای گذاشته‌اند که اسفنکسهای بوغازکوی و آلاجاھویوک در دو سوی دروازه‌ها، از زیباترین گونه‌های این هنر است. هرچند مجسمه‌های بلندقد انسانی، هنوز در کاوشها به دست نیامده است، منابع نوشتاری به وجود آنها اشاره می‌کنند. هنرمندان هی تیتی هرچند در آغاز کار خود از هنر شرق به ویژه بین‌النهرین وام گرفته‌اند ولی به تدریج در دوره پادشاهی با دیدگاه نو، شاهکارهایی با ویژگیهای

بومی خلق کرده‌اند و این بار، هنر هی تیت تا سرزمینهای سوریه و فلسطین نفوذ کرده است. در یادمانهای سنگی هی تیتها که بیشتر در سینه کوهها به نمایش درآمده‌اند، موضوعهای گوناگون مذهبی و صحنه‌های مختلف قدرت‌نمایی فرمانروایان به تصویر کشیده شده است که جالب‌ترین و زیباترین آنها را می‌توان در آلاجاهویوک (تصویر ۶۸) گاورکاله (Gavurkale) (تصویر ۷۸)، ایوریز (تصویر ۸۰) و امام‌کولو (تصویر ۸۳) مشاهده کرد و در این یادمانهای سنگی تظاهر قرص (Imamkulu) خورشید نمادی از قدرت پادشاهی است.

با وجود اینکه هی تیتها در هنر سفالگری در آغاز کار خود تحت تأثیر سفالینه‌های بومی قرار گرفته‌اند ولی به تدریج از این قیدوبند رها شده و در این رشته هنری نیز شاهکارهای جالب توجهی را از خود به جای گذاشته‌اند که از آن میان می‌توان به ریتونها و دیگر ظروف آیینی اشاره کرد. زیباترین گونه اینها از بوغاز کوی (تصویر ۱۸) بی‌تیک (تصویر ۸۲) ایناندیک (تصویر ۸۴) به دست آمده است. هنرمند با زبردستی تمام، یک صحنه عروسی را روی ظرف ایناندیک به نمایش در آورده است و این هنر امروزه هر بیننده‌ای را به شگفتی و امید دارد. همین شیوه را فلز‌گران هی تیتی در خلق ریتونهای نقره‌ای (تصویر ۸۵) و سفالین (تصویر ۱۱۵)، تبر مفرغی آیینی و پیکر کهای فلزی (طلایی، نقره‌ای، مفرغی) و عاجی خدایان به نمایش گذاشته‌اند که با مطالعه آنها، با ویژگی هنر فلز‌گری هی تیتها آشنا می‌شویم. مهر که در باستان‌شناسی از کوچک‌ترین عناصر فرهنگی به شمار می‌رود، در شناخت فرهنگ‌های کهن آسیای صغیر، به ویژه هی تیت، خصوصاً گونه‌های استوانه‌ای این مهرها، نقش بسیار مهم و حتی تعیین‌کننده داشته است و با کندوکاو روی اثر مهرها، از یک طرف با انواع نوشتار این دوران (میخی و تصویری) و چهره خدایان و فرمانروایان و نامهای آنها و از سوی دیگر با برخی از نمادها و صحنه‌های مذهبی آشنا شده، و مهم‌تر از همه، با توجه به نوشته روی بیشتر آنها، می‌توان صاحبانشان را شناسایی کرد. افزون بر این زمانی می‌توان از عرف و عادت و باورهای مذهبی و شیوه‌های تدفین ساکنان آسیای صغیر به ویژه هی تیتها سخن به میان آورد که مدارک و اسناد نوشتاری در دسترس باشد. خوشختانه د، اه: خصوص نـ: مـا، کـ

نوشتاری از یک طرف و سایر داده‌های باستان‌شناسی از سوی دیگر، در اختیار ما قرار گرفته است تا کنکاش لازم را درباره مسائل فرهنگی مذکور به انجام رسانیم. زبان‌هی تیتها از گروه زبانهای هندواروپایی است و از آغاز هزاره دوم قم که سرزمین آسیای صغیر را به اشغال خود در آوردند، با وجود اینکه به تدریج نفوذ عناصر زبانهای بومی در زبان آنها چشمگیر شد ولی آنها تلاش کردند در خلال حضور هشتصد ساله خود در این شبه‌جزیره زبان خود را حفظ کنند. هزاران لوحی که از بایگانیهای بوغاز کوی به دست آمده مبین این است که هی‌تیتها در حیات فرهنگی خود از دو نوع خط استفاده کرده‌اند، یکی خط میخی که احتمالاً آن را در بین النهرين از سلسله سوم اور (Ur) اقتباس کرده‌اند و دیگری خط هیروگلیف که این خط ریشه در فرهنگ ساکنان بومی آسیای صغیر دارد (Kinal, 1991, p. 173).

سخن آخر اینکه با توجه به گستره زمانی باستان‌شناسی و هنر آسیای صغیر، نوشتار حاضر، بخشی از دوران تاریخی این سرزمین را در بر گرفته، امید است تمدن‌های دیگر این شبه‌جزیره از قبیل: هی‌تیت نو، اورارت، فریژی، لیدی و شاخصهای فرهنگی هخامشیان، در نوشتار بعدی، خدمت فرهنگ دوستان و دانشجویان رشته باستان‌شناسی تقدیم گردد. کتاب حاضر ممکن است از نظر صاحب‌نظران اهل فنّ خالی از ایراد و اشکال نباشد، به‌حال یادآوری آنان موجب خرسندی و امتنان خاطر خواهد بود.

بهمن فیروزمندی شیره‌جینی

عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی
دانشگاه تهران

هاتیها

«هاتی» کهن‌ترین نامی است که در خصوص شبه‌جزیره آسیای صغیر تا به امروز به کار رفته است. برای نخستین بار در بین‌النهرین (میان‌رودان) در زمان سلسله اکد در اسناد تاریخی بین سالهای ۲۱۵۰-۲۳۵۰ قم نام هاتی به کار رفته و در دوره‌های بعدی نیز ادامه یافته است و حتی تا تاریخ ۶۳۰ قم در سالنامه‌های آشوری می‌توان با این اسم رو به رو شد. بنابراین آسیای صغیر در خلال بیش از ۱۵۰۰ سال به عنوان کشور هاتی، در اسناد تاریخی کشورهای همسایه به‌ویژه بین‌النهرین به کار رفته است (Akurgal, 1998, p. 15).

در هزاره سوم پیش از میلاد، در شبه‌جزیره آسیای صغیر، نام هاتی در فرهنگ این سرزمین آنچنان نفوذ کرده بود که در سالهای ۲۲۰۰ قم که اقوام هندواروپایی «هی‌تیها» یورش به آسیای صغیر را آغاز کردند، در صحبت از سرزمین تازه استقرار یافته خود، واژه هاتی را به کار برداشتند.

نخستین زبان‌شناسان که موفق به خواندن الواح مکشوفه از «هاتوش» (بوغاز‌کوی امروزی) پایتحت «هی‌تیها» شدند، با توجه به اینکه پیوسته با این واژه رو به رو می‌شدند، برای این اقوام تازه‌وارد که به زبان کاملاً متفاوت از زبان هاتی سخن می‌گفتند، نام هاتی را برگزیدند. در صورتی که بعدها با رمزگشایی تعدادی لوح گلی به دست آمده از هاتوش، روشن گردید که اقوام هندواروپایی پیش گفته خود را نسیهایی خوانده‌اند که به زبان «نسیجه» سخن می‌گفتند. آنها علاوه بر قدرتهای محلی از ساکنان اصلی بخش مرکزی آسیای صغیر به شمار